فهرست

[مقدمه 2](#_Toc121898363)

[بند نهم 2](#_Toc121898364)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ادخال سرور

# مقدمه

بند هشتم بحث تزاحم بود گفتیم می‌شود در مواردی تلذذ و تألم جمع شود و به‌عبارت‌دیگر ملذات یک قوا ممکن است مولمات برای قوه دیگر باشد باب تزاحم که باز شد باید به این نکته توجه کرد که در مقام انتخاب چگونه است قبل از ادامه این بخش بند نهمی هم اضافه می‌کنیم

# بند نهم

در فعل ارادی گفته‌شده است مبادی وجود دارد که عبارت است از تصور و تصدیق به‌فایده و شوق و به تصمیم و اراده می‌رسد و وقوع فعل، در افعال اختیاری این مبادی وجود دارد نسبت فعل اختیاری با التذاذ و تألم چیست درجایی که انتخاب می‌کند انجام فعلی یا ترک فعلی را پاسخی که داده می‌شود این است که در افعال اختیاری باید حتماً التذاذی وجود داشته باشد زیرا باید تصور کند و بعد تصدیق به‌فایده کند که تصدیق به‌فایده مطلقه نیست بلکه تصدیق کند به این‌که فی هذا الفعل مفید لی یعنی این فعل برای من فایده دارد این تناسب درست نشود فعل اختیاری حاصل نمی‌شود با این بیانی که گفته شد فعل ارادی و اختیاری متوقف بر مبادی سه و چهار و پنج‌گانه است با تقریرهای مختلفی که وجود دارد آنچه اشتهار بیشتری دارد این است که باید تصدیق به‌فایده کند و بعد هم طبعاً شوقی حاصل شود و به دنبال آن اراده می‌آید .

سؤال: لذت در چه بخشی از آن است؟

جواب: عرض می‌کنم کجاست.

در تصور که پایه اول است نیازی نیست و تصور خوبی و بدی است و گرچه شاید به نحوی باشد ولی بزنگاه تصدیق به‌فایده است در تصدیق به‌فایده باید تصدیق به‌فایده مطلق باشد یا تصدیق به‌فایده برای مختار و فاعل باشد؟ باید تصدیق به‌فایده برای مختار باشد پس می‌شود فعل عند الفاعل باید باور کند که خیر و کمال برای فاعل است این همان عند المدرک است که در تعریف لذت بود، باید باور کند که این خیر است و کمال است برای مدرک، این تصویر التذاذ است. بعد هم دنبال آن شوق می‌آید شوق ملازم با تصویر التذاذ است ولی نقطه محوری این است که تصدیق به‌فایده است و فایده هم علی قسمین است الفایدة المطلقة و الفایدة للفاعل ، این جا قسم دوم در مقدمات دخالت دارد و تا باور نکند که فایده للفاعل دارد و یفیدنی، فعل ارادی پیدا نخواهد شد بنابراین در تصدیق فایده مسلم از مبادی فعل ارادی است.

سؤال: خصوصیتی دارد که برای خودش فایده‌ای نمی‌بیند ولی برای دیگری فایده دارد.

جواب: نمی‌شود چون خودش باید انتخاب کند این از وجدانیات واضحه است و باید برای او فایده‌ای ر تولید کند ولی اگر هیچ فایده‌ای برای من ندارد و برای او فایده دارد این انجام نمی‌شود.

سؤال: ولکن به ضرر باشد

جواب: فایده برای قوای عالی‌تر دارد

سؤال: بالفعل ضرر می‌کند

جواب: بله ولی قوه راغی او دارد لذت می‌برد و اگر آن نباشد هیچ‌چیزی ندارد و وجهی هم ندارد که کسی این را انجام دهد.

سؤال: خداوند درجایی غرض فعلی دارد و غرض فاعلی ندارد؟

جواب: خدا را فرق دارد.

سؤال: ...

جواب: تحلیل عالی ملاصدرا در باب خدا چیزی است که همان در انسان هم تجلی پیدا می‌کند ولی اگر وارد آن بحث شویم فاصله می‌گیریم.

اگر سؤال کنید گه برهان دارید یا نه این سؤال درستی است برهان نداریم و شاید برهان برخلاف این بگوید و کاری که برای دیگری و خودت بهره‌ای نمی‌بری انجام بده ولی انسان نمی‌تواند انجام دهد فعل اختیاری وقتی انجام می‌شود که به خود شخص انتصاب پیدا کند این دستگاه فعل فعال وجودی ما فعلش را باید از مبادی بگذراند و در تصدیق به‌فایده باید برای خودش تصدیق به‌فایده کند.

سؤال: عند المدرک که فرمودید اگر کسی راست بگوید و به ضررش باشد معنای عندیت حاضر نیست و غایب است آیا التفاتی به آن دارد

جواب: حتماً وجود دارد مثلاً ضرر اوست و پولی را از دست می‌دهد ولی ارتقاء شخصیتی پیدا می‌کند

سؤال: روایت مطلق می‌فرماید راست بگو ولو به ضررت باشد

جواب: به دلیل همین‌که روایت را عمل می‌کند لذتی دارد که از نکاتی است که در آینده به آن می‌پردازیم

سؤال: هر لذتی درک کمال خیر و لذت است یا این‌که شما می‌فرمایید درک هر کمال و خیری یک‌جور تحصیل التذاذ است؟

جواب: ما این را نگفتیم

سؤال: شما می‌فرماید تصدیق به‌فایده همان درک کمال و خیر عند الفاعل است؟

جواب: تصدیق به‌فایده که میگوییم یعنی فایده برای من داشته باشد.

سؤال: شما می‌فرمایید درک هر کمال و خیری عند الفاعل التذاذ می‌کند و هر لذتی که به وجود می‌آید از کانال درک کمال و خیر است چه تلازمی دارد هر لذتی کمال و خیر است ولی هر کمال و خیری درک کردن لذت است؟

جواب: هر چه کمال خیر برای من است لذت است این تحلیل یک امر وجدانی است.

سؤال: من داروی تلخی را می‌خورم و خیری دارد اما لذت می‌برم؟

جواب: بله حتماً لذت می‌برد اگر لذت نمی‌برد که امکان ندارد به آن اقدام کند

سؤال: چون درک می‌کنم کمالی دارد می‌خورم ولی لذتی دارد واقعاً؟

جواب: لذت مراتبی دارد اینجا به دلیل تزاحمی که وجود دارد بهجت و سرور به آن صورت ندارد ولی لذت دارد. در عمقش لذتی است که به خاطر آن انجام می‌دهد.

سؤال: ما می‌توانیم به او بگوییم ملتذ؟

جواب: التذاذ ممکن است معطوف به امر آینده باشد ولی همان را که حس می‌کند لذت می‌برد الآن جهاد می‌کند ولی چون می‌بیند که شکوفایی دیگری برای او ایجاد می‌کند واقعاً التذاذ دارد و از شمشیر خوردن لذت می‌برد.

سؤال: این بحث را هم ملاصدرا وهم سهروردی مطرح می‌کند آنچه ملائم با یکی از قوات نفس باشد خواه ملائم باشد یا نه

جواب: بله

این بحث نهم است که کمال و خیر ارادی متوقف بر تصدیق به‌فایده است و تصدیق به‌فایده یعنی برای من و الا تصدیق فایده‌ای که هیچ اتصالی به فاعل و مدرک نداشته باشد جز مبادی فعل ارادی نخواهد شد.

سؤال: ....

جواب: می‌خواهیم بگوییم فایده برای او باشد و مصداق درست می‌کند برای نیل به ما هو خیرٌ و کمالٌ عند المدرک که لذت می‌شود که جز مقدمات آن است و در مبادی فعل اختیاری تصویر لذت فایده برای خود او می‌کند که در آینده لذت است نه این‌که همین الآن لذت باشد و تصور می‌کند و تصدیق به‌فایده برای فاعل انجام می‌دهد و وقتی انجام می‌دهد می‌برد.

سؤال: پس ممکن است رنج فعلی داشته باشد؟

جواب: ممکن است وقتی در مبادی فعل مقدمات را انجام می‌دهد لزوماً لذت وجود ندارد و تصویر لذت است که بعد هم شوق که می‌آورد یعنی حرکت به سمت لذت در شوق هم لذت نیست و لذت وقتی است که فایده حاصل می‌شود

سؤال: ممکن است در همان موقع هم رنج ببرد ولی برای لذت آینده این را تحمل می‌کند؟

سؤال: بله یعنی مبادی ملازم با لذت همراه با او نیست ولی در درون آن فایده للفاعل و شوق در اوست که تصویری از لذت است بنابراین ارتباط به این شکل به برقرار می‌شود

سؤال: فعل اختیاری تصویر لذت دارد و همراه با لذت نیست؟

جواب: بله ولی گره‌خورده است به هم دیگر.

نتیجه بحث این است که انتخاب و اختیار همیشه با تصویری از التذاذ است و برای رسیدن به التذاذ است و انتخاب و اختیار فعل برای التذاذ است و بدون آن نمی‌شود چون فایده لی می‌شود کمال للمدرک که همان التذاذ است و بدون آن نمی‌شود.

سؤال: ...

جواب: التذاذ اختیاری بدون تصویر التذاذ نمی‌شود.

این هم یک بحث است که به نظر می‌رسد بحث دقیقی است و در نحله‌های مختلف فلسفی و کلامی ظاهراً اختلافی نیست.

سؤال: مبانی اختیار هم ازاین‌جهت که اختیاری‌اند باید ملازم با درک لذت باشد

جواب: بله این نکته هم درست است که ممکن است پیمودن مقدمات و مراحل تناسبی داشته باشد و از جهتی لذتی ایجاد کند. ممکن به معنای عام است.

سؤال: نمی‌شود گفت در همه افعال اختیاری غایت التذاذ است

جواب: بله یعنی فعل اختیاری بدون التذاذ نمی‌شود. بدون تصویر التذاذ که می‌شود تصویر ذهنی و غایت خارجی. در علت غایی التذاذ وجود دارد و غایتش هم التذاذ است.

سؤال: به‌عنوان اصل موضوع می‌فرمایید؟

جواب: نه در این تحلیل‌ها به این نتیجه رسیدیم که در کار اختیاری تصویر می‌کند التذاذی را در جهتی هم همان التذاذ غایت می‌شود.

سؤال: مجبور است که انجام دهد و چون مولا گفته است انجام می‌دهد

جواب: نمی‌شود

سؤال: شر است نه جلب مصلحت

جواب: این فرمایشتان درست است که تصدیق به‌فایده، فایده اعم است از این‌که التذاذی به معنای خاص حاصل شود یا رفع المی شود این هم یک نکته دیگری است که واژه لذت و الم هرکدام دو اصطلاح دارند عام و خاص لذت معنای خاص دارد که یعنی بهجت و سرور که مقابل الم قرار می‌گرید و معنای عامی دارد که شامل فرح و سرور و رفع الم می‌شود و در این صورت الم که برداشته شد در اصطلاحی گفته می‌شود لذتی برده است و لذا فرار از یک عذاب آیا فقط رفع الم است یا لذت است میگوییم دو اصطلاح وجود دارد اصطلاح خاصی دارد که لذت یک امر کاملاً وجودی است مقابل الم و اصطلاح عامی دارد که لذت شامل رهایی از درد و رنج می‌شود و لذت می‌برد از این‌که از درد رها شد این‌یک تعبیر التذاذ است که در این جا وجود دارد

سؤال: این جا هم تضاد دارد

جواب: مفهوم شامل معنایی مشود که شامل رفع الم هم می‌شود نبود رنج درجایی که شأنیت آن را دارد اعم از این است که فقط این نبود باشد یا چیز اضافه‌ای هم باشد

سؤال: ثالث ندارد یا لذت است یا الم؟

جواب: لذت و الم به معنای خاص وجودی ضدین‌اند و ثالث دارد ولی اگر لذت یعنی عدم الالم دیگر ثالث ندارد و ملکه و عدم ملکه است.

سؤال: لذت یک امر نفسانی است ؟

جواب: نه امور نفسانی ثابت است ولی اصطلاحات تابع قرارداد است.

سؤال: می‌خواهیم بگویم این به قولی گره کار را باز نمی‌کند لذت امر نفسانی است و وقتی دفع شر می‌کند واقعاً لذت می‌برد؟

جواب: الآن می‌خواهیم بگوییم لذت کاربردش در دو معنا است گاهی لذت امر وجودی مقابل الم است و گاهی معنا عام‌تر است و دفع الم هم لذت است ممکن است در الم هم دو اصطلاح گفته شود بعید نیست ولی به این وضوح نیست گاهی الم امر وجودی است که حس منافر است و گاهی هم الم معنای عام‌تری است که عدم ملذ هم یک نوع الم است همین‌که به این بهره نرسید حس الم وجود دارد.

نکته‌ای که وجود دارد این است که در دفع الم که لذت بر آن صدق می‌کند ممکن است این سؤال مطرح شود که واقعاً همین امر رفعی و نفی و عدمی است که در آن لذت است و اصطلاح را توسعه دادیم یا این‌که اگر دقیق شویم در رفع الم هم‌درجه‌ای از سرور و بهجت است ممکن است کسی دومی را بگوید و این‌که لذت را اصطلاح عامی داریم نکته دقیقی داریم و آن این است که رفع الم هم گویا ملازم با نوعی بهجت و سرور است.

سؤال: ...

جواب: بازهم اصطلاح باقی است چون گاهی اصطلاح بهجت لذت و سرور است که درجه قوی است که حالت ایجابی آن برجسته است و گاهی هم لذت معنای عامی است که در رفع الم هم هست بنابراین دو مطلب را کنار هم بگذاریم لذت و الم دارای دو اصطلاح‌اند یک اصطلاح خاص دارند که مقابل هم و مضادین‌اند و شاید رفع شود و هریک از این‌ها معنای عامی دارد که در آن معنای عام لذت و رفع الم را هم می‌گیرد و الم عدم لذت را هم می‌گیرد که در این دو معنای عام اگر لذت را عام بگیریم با لذت به معنای خاص عدم و ملکه است و الم به معنای عام با طرف دیگر عدم و ملکه است ولی بحث تحلیلی این است که ممکن تعمیم لذت در اصطلاح عام به خاطر این باشد که در لذت را به رفع الم تطبیق می‌دهیم یا این‌که در رفع الالم هم‌درجه‌ای از لذت وجود دارد که درجه‌ای خفیفه است. این مثل سلامت و مرض است که همین اصطلاحات وجود دارد که مرض رفع شد سلامت است و رفع الم ملازم با لذت است و اگر اصطلاح عام‌تری می‌آوریم تعمیم می‌دهیم اصطلاح را به درجات ضعیفه‌ای این هم بحث دقیقی بود که در آن نکته روان‌شناختی هم بود.

سؤال: این باعث نمی‌شود که عقلا راه اخلاص بسته شود و ...؟

جواب: لذت عالی است ما با این تحلیل‌ها می‌گوییم دین نمی‌گوید لذت نبر بلکه در امور بالا لذت ببر تزاحماتی دارد که در آن‌ها یکی را انتخاب کن.

سؤال: توجه به لذت با اخلاص منافاتی ندارد؟

جواب: نه بحث‌های عرفانی داریم ولی بحث دیگری دارد فلسفه و تحلیل این است که گفتیم .